

خلاصه: گزینه های مطرح :

- ❖ دین توان اداره جامعه بشری را ندارد
- ❖ دین نیز میتواند جامعه بشری را مدیریت کند
- ❖ فقط دین الهی میتواند جامعه بشری را عادلانه مدیریت کند

دلایل انتخاب گزینه منتخب

اولا خالق و مدبر عالم خداست و دین برنامه مدون اوست - علم او مطلق و بینهایت ← برنامه او پاسخگوی تمام نیازهای بشر
چقدر دنیاراً کامل در اختیار دین گذاشته اند؟ بعد به اسم دین عده ای حکومت کرده اند
این مقدار از کمالات و پیشرفتهای بشری هم که هست در اصل به دین بر میگردد (بذر تمدن را انبیاء پاشیده اند)
بحرانهای لاینحل موجود عصر حاضر با همه پیشرفتهای که تمام نظامهای بشری در مقابل آن عاجز شده اند(مثل :
افسردگی، سردی روابط و ضعف عواطف زندگی، احساس پوچی و ...) فقط با دین الهی قابل حل است.

اشکال

اگر دین اینطور است چرا مسلمین در قرون گذشته عقب افتادند؟
جواب ۱: اسلام نسخه است و فقط با عمل به آن اثر میگذارد
جواب ۲: عمل همه جانبه تاثیر دارد نه عمل به بعضی از احکام و ترک بعضی دیگر
(۵۱ مانده ، ۹۷ آل عمران ، ۸۱ تا ۸۵ برآت ۴۱ انفال)

نقاط قوت قوانین الهی

- ❖ ضمانت اجرای قوی
- ❖ لحاظ مصالح بندگان نه نفع شخصی
- ❖ تکریم بشر
- ❖ باعث کمال بشر
- ❖ همیشگی بودن
- ❖ قداست و حرمت
- ❖ نه افراط نه تفریط
- ❖ برکات الهی
- ❖ اول آن در بعضی مواقع سخت ولی عاقبت آن آسان
- ❖ ضمانت اجرای ضعیف (برونی)
- ❖ نفع طلبی
- ❖ تحقیر بشر
- ❖ ضد کمال بشری (مگر در مواردی که ...)
- ❖ مقطعی بودن
- ❖ عدم قداست
- ❖ افراط یا تفریط
- ❖ سلب برکات واقعی
- ❖ اول راحت بعد بن بست

۱. ضمانت اجرا

بیرونی

➤ نیروهای پلیس و قضایی

درونی

➤ وجدان ، عقل ، دین

۲. لحاظ نفع شخصی (نمونه: قانون وتو)

۳. تحقیر بشر

مثال :

- حق وصیت مطلق
- خوردن محرّمات و پلیدیها

۴. ضد کمال بشر

- تحلیل محرّماتی مثل شراب و قمار
- برهنگی و بی حجابی

۵. مقطعی بودن

- بدلیل عدم توان پیش بینی جامع برای نیازهای بشری
- برخورد با خلاءهای قانونی ، تورم قانونی، کهنگی قانون، خارج شدن آن از دور

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين و صلى الله على سيرا و نبينا ابي القاسم
ممر و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين و لعنة الله على اعداءهم اجمعين.

سه تا گزینه اینجا مطرح می کنیم و به آن می پردازیم ببینیم کدام یکی از آنها
مطلوب است و حق است.

اولین گزینه بگوئیم دین توان اداره جامعه بشری را ندارد. اینها را در بحث های
طولانی اثبات کردیم که این یک حرف باطل و بی اساس و نادرستی است.

گزینه دوم این که دین را شریک نکنیم. بگوئیم دیگران هم می توانند. عده ای به
شراکت با سیستمهای بشری، قوانین بشری و آمیخته کردن دین با قوانین غیر
آسمانی رضایت داده اند. که ما این را نمی پذیریم، چون خدا مالک و آفریننده است
و حق اداره و تدبیر عالم هستی منحصر به اوست.

گزینه سوم فقط دین الهی می تواند جامعه بشری را عادلانه مدیریت کند. این تنها
گزینه ای است که ما می گوئیم. مسلمان واقعی، مؤمن به قوانین قرآن، مؤمن به
اسلام یک سر سوزن از این حرف نباید کوتاه بیاید، اگر کوتاه بیاید یا در علمش
نسبت به دین خلل هست یا در اعتقادش. مثلا علم دارد و می داند اما اعتقاد ندارد.

چرا ما این گزینه را انتخاب کردیم چون اولاً خالق و مالک و مدبر عالم خداست،
دین هم برنامه اش است، برنامه هم باید از خدا بیاید این ابتکار خداست دفتراچه
راهنمایش هم باید خدا صادر بکند. این حرفی بود که ما بارها زدیم. از طرفی هم
علم او بی نهایت و مطلق است همه موحدان عالم این را قبول دارند، مسیحیان،
کلیمیان و مسلمین هم قبول دارند. ما امروز در دنیا کمتر فرقه ای می شناسیم که

منکر توحید باشد. بالاخره اینکه علم الهی بی پایان است هیچ کس منکر این موضوع
نیست و چون منکر نیست ما می گوئیم که برنامه الهی باید اجرا بشود. چیزی هم
نباید شریکش باشد، چون در خلقت خدا چیزی شریک نبوده بنابراین در تدبیر و

مدیریت عالم هم شریکی نباید باشد. این دلیل ماست. اگر کسی بگوید که ما دینی
به این شکل سراغ نداریم، باشد! دینی با این ویژگی ها نشانمان می دهیم اگر
مشکلتان این است ما مشکلتان را حل می کنیم اگر مشکلتان استدلال است بسم
الله اگر می توانید از این استدلال رد بشوید. تنها راهی که اینها برگزیدند به محض
اینکه حرفها را می شنوند دست را بگذارند در گوش و به سرعت فرار کنند. اصلا در

این مباحث آفتابی نشوند چون می دانند چیزی برای گفتن ندارند همان تعبیر قرآن “كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ^۱” مثل الاغهایی که از شیر درنده فرار می کنند“ اینقدر مطلب روشن است که نه تنها یک آدم فهیم بلکه حتی بچه های کلاس ابتدایی هم متوجه می شوند پس دلیلی که اینقدر روشن است به تعبیر قرآن “بِئْسَاتٍ” است چه جوابی می شود داد؟ مگر اینکه شخصی، سوفسطایی باشد و حتی روز روشن را هم انکار بکند بگوید من الآن معتقدم شب هست. این دیگر یا خودش را به نادانی زده است یا دچار مرض هست.

برنامه خدا پاسخگوی تمام نیازهای بشری است، البته اگر دین سالم را در مدیریت جوامع بشری راه دهند! اگر یک شخصی را ببندند به درختی و محکم طناب پیچش کنند بعد بگویند اگر تو راست می گویی که کوه نورد خوبی هستی از این کوه برو بالا او جواب می دهد: من امکانات از شما نمی خواهم دست و پایم را باز کنید من قول به شما می دهم زودتر از همه قهرمانانتان از این کوه بالا بروم. می گویند نه دست و پایت را باز نمی کنیم تو اگر راست می گویی ادعایت را ثابت کن. این که امکان ندارد. با دین هم همین کار را کردند. شما کی به دین خدا به یک دینی که تحریف نشده باشد میدان دادید. حتی به مسیحیت هم میدان ندادید قبل از اینکه اسلام بیاید مسیحیت کجا حکومت کرده؟ نشان بدهید دین کجا حکومت کرده است! بله امپراطوران روم وقتی که دیدند عموم مردم مسیحی مذهبند به خاطر اینکه پایه های قدرتشان محکم بشود اعلان مسیحیت کردند. خوب محمدرضا پهلوی هم می گفت من کمر بسته امام رضا (ع) هستم. ولی احکام اسلام را اجرا نمی کرد. شما کجا میدان به دین دادید؟ دینی می تواند تأثیر کامل را بگذارد که کامل باشد. زمان پیغمبر اسلام از زمانی که آیه آمد: “الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اٰتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا^۲” تا زمانیکه پیغمبر از دنیا رفتند هفتاد روز طول کشید یعنی هفتاد روز از عمر پیغمبر، اسلام کامل وجود داشت. قبل از آن هنوز مسائلی از اسلام نازل نشده بود با این حال ببینید چه درخششی! چه

می گیرند مثلاً همین سوسک های حمام را برشته می کنند و می خوردند، این ها حقی است که اسلام به گردن ما دارد، یک کثافتاتی این ها می خوردند. اما طبق قوانین آیا ما حق داریم که هر چه دوست داریم وصیت کنیم؟ مثلاً همه اموال من را بروید شانه های تخم مرغ بخرید و ده پانزده نفر را هم استخدام کنید و یک دیوار بلندی را پیدا کنید و بزیند به دیوار، شما بی خود کردید که وصیت کردید، وصیتش را بیندازید دور، ولی در قوانین بشری می گویند: مشکلی ندارد طبق وصیت عمل کنید دادگاه هم حکم می کند و قاضی امضاء می کند. بگذارید من دو نمونه عرض می کنم من یک نمونه اش را سال ۱۳۵۴ دیدم و یک نمونه اش را سال گذشته، یادم است که در سال ۵۴ در زمان شاه در روزنامه اطلاعات نوشته شده بود که یک خانمی امریکایی که میلیون ها دلار ثروت داشته است با پسر و دخترانش یک درگیری و ناراحتی داشته و به خاطر انتقام گیری وصیت کرده بوده که همه اموال به سگم به ارث برسد، خانم هم در آن زمان مرده بود و سگ صاحب این همه اموال شده بود، راننده خصوصی، آشپز و دو نفر هم تر و خشکش کنند و همه هم بیمه شوند و کارگر سگ باشند! این قانون بشر را تحقیر نمی کند؟ شبیه همین جریان سال گذشته در روزنامه کیهان نوشته بود در انگلستان یک خانم انگلیسی علی رغم داشتن چند فرزند اموالش را برای گربه اش وصیت کرده بود. گربه با حمایت قانون ماشین دارد و راننده دارد، واقعاً تحقیر چه طوری است؟ من خیلی چیزها را دیگر نمی خواهم بگویم، عذر می خواهم خیلی ها هستند که قانونی با حیوانات ازدواج می کنند، این ها را چه کسانی نوشته اند این ها کسانی اند که ادعا دارند ما جلوی دین قانون وضع می کنیم، اسلام از اساس حل کرده و گفته تو مالک واقعی نیستی و من این اموال را در اختیارات گذاشتم تا زنده ای اولویت داری وصیت هم می توانی بکنی تا یک سوم آن حق توسل و بیش از یک سوم مربوط به اجازه وارث است و در مسائل شرعی هم می توانی وصیت کنی و خلاف قانون نمی توانی وصیت کنی.

لَلّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُمَيِّدٍ وَ اٰلِ مُمَيِّدٍ

همین حق و تو ددمنشی های اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان را توجیه کرده و حتی اجازه صدور یک قطعنامه خشک و خالی را هم نداده است و قطعنامه را و تو کرده است، یک نمونه اش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ بعد از عملیات بیت المقدس ایران که خرمشهر آزاد شد یک حمله شدیدی به جنوب لبنان کرد و در آن حمله سی هزار نفر از شیعیان جنوب لبنان شهید شدند *بگین نفست وزیر اسرائیل گفت*: من انتقام خودم را از علی بن ابیطالب گرفتم، شورای امنیت به ناچار مجبور شد که قطعنامه صادر کند که آمریکا همین را هم و تو کرد، تا به حال بیش از پنجاه قطعنامه که شورای امنیت در محکومیت جنایات اسرائیل صادر کرده است را آمریکا و تو کرده است.

سومین ویژگی ضعیف قوانین بشری تحقیر بشر است، ببینید خیلی از احکام اسلام فقط به خاطر تکریم است مثلاً در اسلام آمده است که خوردن مثنائاً گوسفند حرام است، خون خوردن حرام است. ممکن شما بروید و ببینید که از نظر بهداشتی مشکلی ندارد ولی حرمت و شخصیت انسان شکسته می شود، هر غذایی را انسان نباید بخورد یکی از منتهای قرآن کراراً این است که « *وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ* »^۱ این کلام پیام دارد اگر خدا تحریم کرده است علتش این است که خبیث بوده است، در شأن شما نیست، آقا این که غذا مشکل بهداشتی ندارد، مشکل شخصیتی دارد، یک بهداشت جسمی، یک بهداشت شخصیتی، یک بهداشت روانی و یک بهداشت اخلاقی داریم، بنده ممکن است یک کاری کنم که شخصیتم شکسته شود، اگر من یک تکه نان دست بگیرم و با زیرشلواری در کوچه شروع به دویدن کنم و دندان بزنم از نظر بهداشتی مشکلی دارد؟ حتماً که نباید بهداشت مهر تأیید بزند یا فقط مهر تأیید بهداشت کارها را درست می کند؟ بسیاری از تحریمات اسلام به خاطر حفظ شخصیت مؤمنین است اما قوانین بشری می گوید: آزاد ما از اول با آزادی پیمان داریم، یک ضرب المثل معروفی است که می گوید: چینی ها هر چیزی که در دریا ببینند می خورند به جز کشتی! مار و موش و عقرب و سوسک و مگس را می خورند، این ها برای ما خنده دار است آن ها نمی خندند و خیلی جدی

تحول شگفت و بی نظیری! شما کجا در تاریخ پیدا می کنید که در یک برهه کوتاه یک سرزمینی با این همه عقب ماندگی فکری و معنوی اینقدر جلو بیفتد و این قدر متحول بشود ما نمونه ای سراغ نداریم. بعد از آن هم که به اعتقاد ما دین واقعی حکومت نکرد. دین واقعی آن بود که اهل بیت پیغمبر ارائه می کردند. دین واقعی آن نبود که وقتی *مالک بن نویره* هم می آید اعتراض می کند که چرا فرمان پیغمبر در غدیر را نادیده گرفتید و به بوته فراموشی سپردید شبانه بریزند و او را بکشند و آن جنایات فجیع و زشت را مرتکب شوند. به اعتقاد ما این دین پیغمبر نبود. دین پیغمبر این نبود که دختر پیامبر مورد ضرب و شتم قرار بگیرد واقعه ای که خودشان در کتبهایشان نوشته اند. آقای *شهرستانی* معتبرترین کتاب ملل و نحل عالم اسلام ر نوشته و خودش هم سنی است. او به این امر اعتراف کرده است. آن دینی که ما می گوییم کامل و بی عیب و بدون مشکل و بدون هیچ انحرافی دقیق در خط خدا و رضای خدا و متصل به دستور الهی است، چه مدت در دنیا حکومت کرده که شما می گوید دین نمی تواند؟ شما یک آدمی را بستید به درخت و می گوید اگر راست می گویی از کوه بالا برو! چند بار او را باز کرده اید و دیدید که می تواند از کوه بالا رود ولی دوباره او را بسته اید. بعدش هم ائمه ما خانه نشین شدند. علیرغم اینکه عمق دانش و معرفتشان بر همه هویدا بود، ولی هیچ میدانی به ایشان ندادند حتی در زندگی شخصی هم آنها را آزاد نگذاشتند. ما زیاد داریم در تاریخ کسانی که به اسم دین بر مردم سوار می شدند. *منصور دوانیقی*، خودش را به خاندان پیغمبر بست و گفت ما از عموزاده های پیغمبر (ص) هستیم و فرزندان عباس عموی پیغمبر (ص) و مردم را فریب دادند و به کمک *ابومسلم فراسانی* حکومت را قبضه کردند و بعدش هم اولاد پیغمبر را بدتر از بنی امیه مورد آزار و اذیت قرار دادند. بیشتر ائمه ما به دست بنی عباس شهید شدند.

با اینکه حضرت امام فرمودند « در نظام جمهوری اسلامی ما ادعا نمی کنیم همه احکام اسلامی اجرا شده ما هنوز فاصله داریم » الان هم ما همین حرف را می زنیم. ما ادعا نداریم که هر چه اجرا می شود اسلام است، نه، خیلی کارها در دستگاه قضایی، اجرایی و... انجام میدهند که از آن روح اسلام دور است و اسلام قبول ندارد ولی با این حال ببینید که چه درخشش های خیره کننده ای که دوست و دشمن را

به اعتراف واداشته است تحصیل شده. همان دینی که می گفتند ما تا زمانی که این دین را داشتیم عقب مانده بودیم، وقتی دین را رها کردیم پیشرفت کردیم، همین دین آمد و چه پیشرفت هایی برای ما حاصل شد. انصافاً خیلی عجیب است. دو سال میدان را به دین واقعی بدهید ببینید چه اتفاقی می افتد. اینقدر هم سنگ اندازی و اذیت نکنید. ما می خواهیم یک حکم خدا را اجرا کنیم. دست یک سارق را قطع کردند در ایران سازمانهای بین المللی چه هیاهویی به راه انداختند. در حالی که بر سر همین دزدی چقدر انسانهای بی گناه در کشور های جهان یا همین کشورهای پیشرفته کشته می شوند. چقدر خانه ها در آتش نفرت به خاطر دزدی سوخته است. یک باند تبهکاری می آید یک دزدی کلانی میکند و چقدر اموال از بین می رود، خوب اینها ارزشش بیشتر است یا دست یک تبهکار قطع شود و دیگران عبرت بگیرند و دست از دزدی بردارند. نمی گذارند. شما حتی تحمل اجرای یک حکم خدا را هم ندارید، آن وقت به ما می گویند دین چه کار کرده است. ما نمی خواهیم دنیا را به دست دین بدهید. بگذارید در همین کشور اسلام را اجرا کنیم. از نوشته های غربی ها و از واقعیات غیر قابل انکار تاریخ دلیل داریم که آنچه را امروز در عالم تمدن می بینید سرنخ و اساس آن از دین است. یک دانه گندم وقتی زیر خاک می رود، گیاه شناسان می گویند که یک سلول زنده دارد. این سلول زنده شروع می کند نمو کردن، غذاهای داخل دانه را می خورد، تولید ریشه می کند، بعد ریشه داخل خاک می شود، مواد خاک را می گیرد و می شود خوشه گندم. اساس آن، سلول زنده اولی است. هرچه حیات است مدیون آن سلول زنده اولی است. می گویند فلانی فرزند فلانی است. این آقا فرزند فلانی است یک سلول زنده او در ابتدا متعلق به این شخص بوده است. بقیه وجودش که نیست. به واسطه همین یک سلول زنده است که می گویند حق حیات و پدری و مادری دارد. شما هر دانشی را که دوست دارید مطرح کنید، ما برایتان ثابت می کنیم که آن دانش بنیانگذارش مسلمین بودند و شما شاگرد آن بودید؟! مرحوم علامه طباطبایی این را شجاعانه در بحث تفسیر آیه دُو سوره کهف جلد سیزده المیزان (ترجمه فارسی) فرموده اند. چهارمین نکته این است که نظام های بشری حاضر با تمام پیشرفت هایی که دارند در مقابل حل بحرانهای موجود عصر حاضر عاجز شده اند، اینها با دین قابل حل اند.

داد مرد گفت: الحمدلله که تکلیف از دوش ما برداشته شد و دست در جیبش کرد، صاحب سکه ها گفت: این کیسه برای تو باشد و دست در جیبش کرد و یک کیسه مثل همان کیسه بیرون آورد و گفت: این هم پاداش تو! گفت: یعنی چه؟ جریان چیست؟ گفت: من آدم خیلی ثروتمندی هستم یک پریشانی داشتم گفتم: خدایا اگر پریشانی من رفع شود دو هزار دینار طلا به یک بنده صالح و پرهیزگارت خواهم داد، مشکلم که رفع شد پول را به هر کس که خواستم بدهم جرأت نکردم گفتم: شاید این شخص ظاهرالصلاح باشد و شاید نذر من ادا نشود فکری به ذهنم رسید گفتم خدایا تو که بنده شناسی من یک کیسه را سر راه می اندازم تو دست آن بنده صالح را به آن برسان کیسه دیگر را هم به او می دهم که آن شخص تو بودی نشان صلاحیت هم این است که با این وضع ظاهر است که معلوم است فقیری دست به این پول نزدی بیا این کیسه هم مال تو برگشت به خانه و به همسرش گفت: ما به حراه خدا دست نزدیک خدا از راه حلال دو کیسه طلا رساند، شما نمونه اینچنین دارید؟ م هزاران مورد داریم شما یک مورد هم ندارید اگر هم دارید شما قیافه نگیرید برای آیین مسیح است، مال دین است، مال همان ته مانده مسیحیت است، ممکن است در گوشه و کنار اروپا انسان های مؤمن و معتقد پیدا کنید که به معاد ایمان دارند خلاف هم نمی کنند اگر چه کم هستند ولی هستند. بحث، بحث بین دین و غیر دین است، بین اروپا و آسیا نیست، بین ایران و امریکا نیست. بحث این است که دین باید قانون گذاری کند و شما این ضمانت اجرایی را ندارید. دوّمین ویژگی ضعف قوانین بشری این است که نفع طلبند و نفع شخصی را لحاظ می کنند اما قوانین اسلام این گونه نیست اگر بگوییم از هر کشوری از کشورهای جهان متفکرترین و نخبه ترین حقوق دانان جمع شوند و بعد در مجمعی در کشوری از کشورهای دنیا جمع شوند و فکرایشان را روی هم بریزند و با هم مشورت کنند و نخبه ترین افکارشان را ارائه دهند به عنوان یک منشور حقوقی بین المللی، بهتر از این دیگر می توانید؟ خوب شما این کار را کرده اید، این منشور حقوق بشر اکثر نقاط قوتش برای اسلام است و مستقیم و غیرمستقیم از اسلام گرفتند. بعد از جنگ جهانی نخبه ترین متفکران ۱۲۴ کشور جهان جمع شدند و منشور حقوق بشر را نوشتند چه چیز از آن حاصل شد؟ حق و تو! بیش از پنجاه بار امریکا با استفاده از

ایرانی را در سال ۲۰۰۳ در استرالیا به عنوان مرد سال استرالیا انتخاب کردند که یک راننده تاکسی در آن کشور بود و خیلی هم شأنی نداشت علت این که ایشان به عنوان مرد سال شناخته شد و در اخبار جهانی هم منعکس شد این بود که یک خانم ثروتمندی سوار ماشین او می شود و کیف پولش را جا می گذارد در کیف این خانم یک میلیارد دلار استرالیا موجود بوده است، این آقا مراجعه می کند به اداره پلیس، کارش را رها می کند و بالاخره بعد از اعلام و گشت و گذار صاحب کیف می آید و نشانی ها را دقیق می دهد و پول را به او تحویل می دهند به راننده می گویند: کسی داخل ماشین شما بود می گوید: نه، می گویند: کسی شما را تعقیب کرد، می گوید: نه، گفتند: پس چرا پول را آوردی؟ تو با این شغلی که داری می توانستی با این پول مشکلاتت را به کلی حل کنی جواب داده بود که من به خدا و روز قیامت ایمان دارم و می دانم که یک جایی به حساب بندگان خدا رسیدگی خواهد شد لذا به عنوان مرد سال استرالیا انتخابش کردند می دانید یعنی چه؟ یعنی در فرهنگ خودشان یک نمونه اینچنین ندارند، ما در هر محله خودمان صد نمونه به شما نشان می دهیم از همین مردمی که گاهی به آن ها انتقاد داریم. همسر مرد فقیری به او گفت: در خانه نشستی برو بیرون گفت: من کاری ندارم که بروم بیرون، شغلی ندارم گفت: چند روز است غذا نخوردیم و گرسنه ایم به امید فضل خدا برو شاید چیزی به دست آوری، مرد از خانه بیرون رفت در کوچه ای دید که کیسه ای افتاده برداشت دید که سنگین است در آن را باز کرد دید که سکه های طلاست شمرد دید که هزار سکه زر ناب است، خواست همسرش را امتحان کند به خانه برگشت و گفت: ببین چه چیزی پیدا کردم ثروتمند شدیم گفت: از کجا آوردی؟ گفت: در مسیر یافتیم گفت: حق نداری دست به یک سکه اش بزنی ما اگر مضطر هم شویم دست به این ها نمی زنیم اگر خدا بخواهد به ما برساند بلد است. خندید و گفت: الحمدلله! می خواستم تو را امتحان کنم. مطمئن باش که اگر تو هم می گفتی من بر نمی داشتم. گفت: حالا چه کار می کنی؟ گفت: الان می روم و فریاد می زنم تا صاحبش را پیدا کنم شاید یک دیناری به خودمان پاداش داد که با آن مشکلمان را حل کنیم. رفت و فریاد زد که من پولی پیدا کردم یک آقای خیلی متشخصی آمد و گفت: پول مال من است گفت: نشانی ها را بده دقیق نشانی ها را

مثل افسردگی، واقعا امروز هرچه صنعت و فن آوری پیشرفت می کند، انسانها افسرده تر و گرفتارتر می شوند. سردی روابط. شما از آنهایی که در خارج زندگی می کنند و زمانی به اینجا می آیند بپرسید ، اینکه ما صله رحم می کنیم و با اقوام دور هم روابط داریم، آنها اینها را ندارند. من فقط پدر و مادرم را می شناسم . من نمی دانم دیگر همسایه ام کیست؟ چند سال است اینجا زندگی می کند؟ اصلا با هم یکبار هم حرف نزدیم به این هم می گویند زندگی صنعتی. اسلام می گوید چهل تا همسایه اینطرف چهل تا همسایه آنطرف و چهل تا همسایه دو طرفت حق به گردنت دارند. باید به حالشان توجه کنی. شما یک آجری گذاشتید در این دیوار با آجر بغلیش هیچ ارتباطی ندارد این یک زلزله یک ریشتری خرابش می کند هر آجری گذاشتید تا چهل تا آجر آن طرف تر به هم متصل است این به این سادگی خراب نمی شود. حالا اینها بحث های اجتماعی است. اسلام چقدر قشنگ به هم متصل کرده جامعه را. عواطف را ترقیق کرده. آن چیزهایی که عواطف را از بین می برد نهی کرده یکی از آنها موسیقی است موسیقی عواطف را لگدمال می کند اگر اسلام شرب خمر را نهی کرده موسیقی را نهی کرده، خیلی از چیزهای دیگر، به خاطر اینکه عواطف انسانی، همان شناژهاست که ساختمان را گرفته مانع جدایی انسانها از یکدیگر است. اینها را فقط با دین می شود حل کرد. بارها اعلام کرده اند که ما در حال فروپاشی نسلها هستیم. رسما اعلام کرده اند. دوباره بیایید جلوی حجاب را بگیرید. دوباره بیایید افسار گسیخته روابط مختلف اجتماعی را آزاد بگذارید. اینها نتیجه اش این است. مجبورید در آخر در مقابل دین، سر خم کنید. مجبورید بپذیرید نسخه خدا را. نسخه دیگران کاری برای شما نخواهد کرد.

حالا شاید بپرسید با تعریف شما از دین پس چرا اینقدر مسلمین عقب مانده هستند؟! و در این چند قرن آنچنان پیشرفتی نکردند؟!

جواب اول: پیشرفت را باید درست معنی کرد. ما پیش فرض را قبول نداریم. چه کسی گفته آنها پیشرفته اند. پیشرفت را اولاً تعریف باید کرد. پیشرفت چیست؟ اگر آدمی همواره زورش زیاد شد اما عقلش هماهنگ با زورش زیاد نشد به نظر شما این پیشرفت است؟! این آدم هر که را فردا دید یک مشت می زند توی سرش و او را

می کشد. مثل دیوانه ای که شمشیر در دستش است. ما به این رشد و پیشرفت نمی گوئیم.

اگر یک کودکی رشد ناهماهنگ جسمی داشته باشد به آن می گوئیم عقب افتاده جسمی. اگر مثلاً ساختمانی را برای دو طبقه ساخته اند یک آقایی بیاید مصالح خالی بکند و آنرا ده طبقه بسازد نمی گوئیم ماشاءالله. می گوئیم فرار کنید که این صبح یا شبی خراب می شود. دو قران هم نمی ارزد. فقط پول زمینش را حساب کن باقیش را حساب نکن. به این نمی گوئیم رشد. اگر یک کشوری فقط در صنعت پیشرفت کرد و مثلاً در تسلیحات نظامی ولی در انسانیت و عواطف و اخلاق درجا زد به این می گوئیم رشد؟! به این می گوئیم پیشرفت؟! ما این حرف را قبول نداریم. چه کسی گفته شما پیشرفته اید؟ شما پیشرفته اید که در الجزایر یک میلیون آدم کشتید؟ برای اینکه به زور قدرت ظالمانه تان را القاء کنید؟ آقایان انگلیسی آیا شما پیشرفته اید که در هندوستان فقط در جنگ جهانی، یک میلیون جوان هندی را گوشت دم توپ کردید شما پیشرفته اید؟! به شما می گویند پیشرفته؟! پس اخلاق کجاست؟ خدا رحمت کند امام (ره) را فرمودند «سعی کنید قبل از هر پیشرفتی در انسانیت پیشرفت کنید» این عین فرمایش امام است.

با اینکه می گویند اینها پیشرفته اند و ما این حرف را قبول نداریم اما بر فرض که اینها پیشرفته اند و مسلمان ها عقب افتاده. چرا ما عقب افتاده ایم؟ اولین جواب این است اسلام نسخه است موقعی اثر می گذارد که به نسخه عمل شود. فرضاً بنده رفته ام پیش یک پزشک شهیر جهانی که به این سادگی همه نمی توانند بروند پیش ایشان. ایشان خیلی مشهور است و خیلی هم وقتش تنگ است و دقیقه دقیقه اش حساب است و هر کشوری رویش حساب کرده و برایش وقت گذاشته حالا ما در مهمانی، جایی افتخاری نصیبمان شد و نشستیم کنار آقا و آقا هم یک چکاب کامل کرد و گفت من یک نسخه ای کامل برای شما می نویسم که تمام امراض شما خوب شود. یک نسخه ای نوشت با خطش و داد به من و بعد من گفتم حیف نیست من این نسخه را بردارم و ببرم بدهم داروفروش کنارش خطی بنویسد حیف است. داروخانه نمی برم، می برم در بازار یک قاب طلایی پیدا می کنم با یک شیشه خیلی قشنگ و می گذارمش در قاب و می آورم به خانه و در اتاق پذیرایی و دورش هم

سوار ماشین شده و فرار کردند یعنی دزدی یک فرهنگ عمومی است. بی خود نیست که آقای کلینتن می گوید: من از همه رستوران ها قاشق و چنگال دزدیدم و پدرم هم همین کار را می کرده، ایشان خجالت نمی کشد چون می داند یک فرهنگ شده است. با کدام ضمانت اجرا شما می خواهید به مردم بگوئید دزدی نکنند؟ او می گوید: اگر قانونت توانست من را بگیرد من را مجازات کند که بکند و اگر نتوانست حق من است که این کار را بکنم. به چه دلیل اگر دست من به مالی رسید بردارم؟ اما یک فیلم دیگری هم تلویزیون ایران نشان داد یک کاری که افراد صدا و سیما انجام داده بودند جالب بود، یک بسته اسکناس انداخته بودند در کوچه خلوتی و یک دوربین مخفی درست کرده بودند که ببینند عکس العمل عابری چیست؟ یک آقایی رسید نگاه به اسکناس ها و اطراف کرد و دید هیچکس نیست دوربین هم همینطور تعقیبش می کرد پول را برداشت و بعد رفت داخل مغازه ای آخر کوچه منتها جلوی مغازه رو به آن طرف بود و یک تکه شیشه اش پیدا بود و به صاحب مغازه داد که اعلام کند تا صاحبش پیدا شود بعد با او مصاحبه کردند که آقا وقتی شما پول را برداشتی کسی که نبود گفت: خدا که بود! شما می توانید با قوانین بشری این را ایجاد کنید؟ یک نمونه این جوری می توانید به ما نشان دهید، پنج شش نفر رد شدند و هیچ کدام برداشتند، به یکی گفت: شما چرا برداشتی؟ گفت: من به آخرت ایمان دارم و دزدی نمی کنم، به دومی گفت: چرا برداشتی؟ گفت: من به زن و بچه ام خیانت نمی کنم و لقمه حرام برایشان نمی برم، به نفر بعد گفت: شما چرا برداشتی؟ گفت: من آدم خوبی نیستم ولی حق مردم را هم نمی خورم، یک اعتقادی به خدا و پیغمبر دارم، این خیلی مهم است. چرا باید رئیس پلیس امریکا در سال ۱۹۹۸ یا ۱۹۹۷ بگوید: متأسفانه هیچ راهی برای جلوگیری از تصاعد آمار جنایت وجود ندارد جز این که وجدان بشریت بیدار شود. یعنی رسماً جلوی تبهکاری دست را بالا بردند و گفتند ما نمی توانیم کنترلش کنیم چون ضمانت اجرای بیرونی کافی نیست. همه جا که ما نمی توانیم پلیس بگذاریم تازه خیلی از پلیس ها خودشان تبهکارند می شود برای پلیس هم پلیس گذاشت؟ دوباره از کجا معلوم که آن پلیس هم خلافکار نباشد، چقدر از خلفها در دنیا توسط خود نیروهای اجرایی صورت می گیرد، به دست خود قاضی صورت می گیرد. نمونه دیگر یک مرد

باشد « وَ مَا أَرَبِحَ الدَّاعَةَ وَرَأَتْهُ الْآمَانُ مِنَ النَّارِ » چه راحت است آن بی تکلیفی که آخرش هم امان از آتش باشد.

توضیح:

ضمانت اجرا: دو نوع است یکی بیرونی است و یکی درونی. بیرونی که من عرض کردم نیروهای پلیس و قضایی و غیره، درونی وجدان است گاهی وقت ها دیدید دست به دامن وجدان می شوند شعارهایی هم درست کردند که وجدان محکمه ای است که نیازی به قاضی ندارد، حالا چقدر کاربرد دارد؟ وجدان موقعی که دین باشد رنگ می گیرد، وقتی دین نباشد وجدان چیست؟ پلیس امریکا بودجه سالیانه اش نزدیک شصت میلیارد دلار است یعنی از بودجه خیلی از کشورها بیشتر اما نگاه کنید به سیر تصاعدی تبهکاری ها و جنایات و ارقام و آمارهای نجومی عجیب و غریب که انسان را به دهشت می اندازد، چقدر فیلم ها درست کرده اند در این رابطه، یک فیلمی در سال ۱۹۴۶ ساخته شده که فقط یک گوشه ای از تبهکاری های داخل مدارس امریکا در آن فیلم منعکس شده است به نام *آمار بنایت* « *بنکال تغه سیاه*، آدم کشی ها و رد و بدل مواد مخدر بین دانش آموزان متوسطه که در آن فیلم آمده است بعضی از دانش آموزان سالانه ده ها هزار دلار مواد مخدر در مدارس می فروشد. گاهی وقت ها این اخبار را مخفی کنند، دیدید یک دانش آموز یک اسلحه به مدرسه بُرد و پانزده معلّم و دانش آموز را کشت و بعد هم خودش را کشت. خوب این ضعف از کجاست؟ یک مثالی عرض می کنم شبکه CNN یک فیلمی نشان داد که در اخبار تلویزیون ایران هم پخش شد یک ماشین بین بانکی حامل دلار که از یکی از بانک های امریکا به یکی دیگر می رفت در جاده بیرون شهر چپ شده بود، من تصویرش را دیدم شاید بعضی از شما ها هم دیده باشید این دلارها در یک قطر نسبتاً زیادی دلارها در اتوبان پخش شده بود، هر کس از عابرین که می رسید گویی که این کار قبیحی و عیبی ندارد پارک می کرد و شروع می کرد دلار جمع کردن، من از دیدن این صحنه شگفت زده شدم، خیلی عادی بود برای همه، دلارها جمع شده بود نوبت به سکه ها رسید که ماشین پلیس آژیر کشان آمد و همه

یک پارچه سبزی می گذارم و هر روز هم یک عطری به آن می زنم و گردگیریش می کنم و یک دستی هم رویش می کشم و می مالم روی سر و صورتم و هر کسی هم آمد می گویم بیایید ببینید چه افتخاری نصیب ما شده است؟

آیا با این کار خوب می شوم؟ نه! ما با قرآن همین کار را کردیم. نسخه خدا. خدا در قرآن فرموده این نسخه است. به این نسخه چقدر عمل کردیم؟ برای قبرستان. ما یک زمانی در دانشگاه گفتیم وقتی بیکاری دانشجویان یک آوای دلنشین که گوشخراش نباشد ترتیل آرام بگذارید کم کم گوش دانشجویان با این کلمات قرآن آشنا می شود و خود به خود یاد می گیرد خیلی مؤثر است. بعد از سه چهار روز قطعش کردند رفتیم و گفتیم پشیمان شدید گفتند اینقدر آمدند و سؤال کردند چه کسی مرده که دیگر خسته شده ایم. یعنی قرآن خواندن شده آرام اینکه یک کسی مرده خیلی بد است. بچه به دنیا می آید حمایل بچه کنند، حمایل عروس، به خانه نو می روی اول قرآن را ببر. آقای نانوا یک قرآن بگذارد بالای تنورش و زرگر بگذارد توی مغازه اش که دزدش نزند و برای ابطال سحر و ... حق قرآن این بوده؟ خیلی هنر کرده ایم بنشینیم مثلاً بصوت قرائت بخوانیم و به این فکر کنیم که سبک چه کسی قشنگ تر است و سبک چه کسی بهتر است؟ این مثل آن است که شما تشنه آید بیایید کنار استخر و دور استخر بدوید بگوئید طولش چقدر است، عرضش چقدر است، عمقش چقدر است. ریز تمام ویژگیها، خصوصیات همه اش را بفهمیم و آخر کار هم از این آب نخوریم. شما با آن آدم تشنه ای که در کویر است هیچ فرقی ندارید. پس جواب این است. اگر ما عقب ماندیم چون به نسخه عمل نکردیم. مثل م مثل مرضی است که رفت پیش دکتر، دوا گرفت آمد قابش گرفت و نسخه ر گذاشت در خانه.

جواب دوم: عمل همه جانبه تأثیر دارد ببینید اگر این سیستم برق، کامل نباشد یکسری از اتصالاتش وصل نباشد نورافشانی نخواهد کرد. هرچه کلید می زنید لامپی روشن نمی شود. شما یک ماشینی دارید شمع ندارد هرچه استارت بزنی روشن نمی شود. این هست که اگر کسی بگوید من یک گوشه از اسلام را قبول دارم یک

گوشه اش را قبول ندارم نصاً قرآن می فرماید «أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا» به حق کافرند. اگر کسی قبول داشته باشد اما عمل نکند مثلاً بگوید من نماز را قبول دارم. اسلام را درست قبول دارم حالا حوصله ندارم. این از نظر فقهی، مسلمان است اما از نظر فطری یا باطنی کافر است. با او ازدواج کردن مانعی ندارد. در قبرستان مسلمین، دفن می شود. نجس نیست. و مثلاً احکام مسلمان را دارد اما در روز قیامت که شد می گویند بفرما برو کنار کفار بایست.

آیه پنجاه و یک سوره مائده، قرآن از ارتباط با کفار، از دوستی با کفار نهی می کند که ما به آن وجوب تولی و تبری می گوئیم. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٌ» «بیهود و نصاری را دوست نگیرید ..» بعد در انتهای آیه می فرماید «وَمَنْ يَتَّخِذْ مِنْكُمْ فَأِنَّهُ مِنْهُمْ» «هر کس از شما که با اینها دوستی کند یعنی به حکم واجب تولی و تبری عمل نکند آن هم با آنهاست» یعنی آن هم کافر است. خیلی محترمانه گفته است کافر است. اگر کسی بگوید من در اعتقاد قبول ندارم این حکمش شدیدتر است. قرآن صریحاً گفته کافر است. اما اگر بگوید قبول دارم اما حال ندارم نماز بخوانم. اسلام را قبول دارم حال روزه گرفتن را ندارم هیچ جای قرآن صریحاً نگفته این کافر است ولی اگر بگردید در لفافه، تمام اینها را کافر دانسته است. تارک حج عمدی، تارک امر به معروف و نهی از منکر، تارک نماز، تارک جهاد را کافر دانسته است. بعضی از روایات هم صریحاً گفته اند مثلاً روایت می فرماید «مَنْ تَرَكَ وَاحِدَةً مِنْ هَذِهِ الْخُمُسِ عَمْدًا مُتَعَمِّدًا فَقَعُوا كَافِرًا» «هر کس عمداً نماز را ترک کند کافر است.» نه کافر فقهی، کافر فطری. کافر فطری فرقی با کافر فقهی در چیست؟ آن کسی که باطنا کافر است روز قیامت می گویند شما جزو کفاری و دیگر مسلمان حساب نمی شوی. وقتی می گوید ما در دنیا جزو مسلمانان حساب می شدیم می گویند برای راحت کردن بقیه بندگانم بود می خواستم به سختی نیفتند. در خانه اش زندگی می کردی برای اینکه زندگیش

۱- نساء ۱۵۱

۲- مائده ۵۱

۳- بهار الانوار ج ۲۹ ص ۲۳۵ باب «فضل الصلوه و عقاب ترکه»

الباطلُ خَفِيفٌ وَبِئْسَ ۱» باطل سبک است اما عاقبتش وبا آلود است، جام غسل زهرآلود اولش شیرین است و آخرش تلخ است، دوی تلخ شفابخش اولش تلخ است و آخرش شیرین است، از کوه بالا رفتن اولش سخت است آخرش روی قلّه ای، از ارتفاع سه هزار متری پریدن اولش راحت است که چطور داریم می رویم پایین ولی آخرش هلاکت است، قوانین اسلام را زیر پا گذاشتن، چشمت، گوشت، دست آزاد! هر کار که دلت می خواهد انجام بده، جامعه به هم می ریزد، فردا یکی قوی تر از تو پید می شود و بُنیائت را خراب می کند. قوانین بشری اولش راحت است و آخرش بز بست است اما در اسلام ضمانت اجرا قوی است هم درونی و هم بیرونی، تنها دلیلی که خداوند احکام را فرستاده است خیر بندگان است و خدا نیازی ندارد «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ» ۲ همه شما هم که کافر شوید به خدا ضرری نمی رسد. مورد سوّم، تکریم بشر.

چهارم باعث کمال بشر است، انسان را در ابعاد انسانی بالا می برد و اوج می دهد پنجم همیشگی است. این نیست که قانون اسلام کهنه شود چون همانطوری که ارزشهای اخلاقی و علوم ریاضیات و ... کهنه نمی شود قوانین اسلام هم کهنگی بردار نیست، مقطعی نیست. ششم قداست دارد.

هفتم نه افراط است و نه تفریط و حدّ اعتدال دارد.

هشتم باعث برکات الهی می شود.

نهم اولش یک مقدار ممکن است سخت باشد با این که همه قوانین اسلام هم این طوری نیست خیلی از قوانین بشری اولش سخت است و آخرش هم بدبختی است «وَمَا أَحْسَرَ الْمَشْمَةَ وَرَأَاهَا الْعِقَابُ» ۳ چه زیان بار است مشقتی که آخرش هم عذاب

- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۱۰۷

۲- زمر ۷

۳- وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۲۸

بِالْحَقِّ^۱ می گوید: این آیه حکمش تأکیدی است و از باب تأکید است، ارشاد است به اصطلاح فقهی می گویند: تأسیسی نیست چون عقل می فهمد، قبل از این که شریعت بگوید: آدم نکشید عقل این را گفته است، اشتراک ما با قوانین بشری در این قسمت است مثلاً قوانین مربوط به بهداشت، قوانین مربوط به راهنمایی و رانندگی، خیلی از قوانین اجتماعی، مثلاً علائم راهنمایی و رانندگی از کشورهای دیگر است و واضح آن مسلمان ها نبوده اند ولی فقها می گویند: واجب است به آن عمل کنید، چرا؟ چون این ها نیاز به شریعت ندارد، خدا گفته است من به شما عقل دادم و این هم راه، بروید انجام دهید اما آن قسمت هایی که عقل به آن راه ندارد در این موارد هر چه بشر قانون وضع کند یا افراط است و یا تفریط، یا تندروری است و یا کندروی که هر دو در جامعه بشری اثر منفی دارد.

ضعف هشتم قوانین بشری این که برکات واقعی را از انسان و جامعه بشری می گیرد.

نهم این که اولش راحت است بعدش سخت است، عواقبش سخت است، این که بگویند: چشمت آزاد این اولش خیلی راحت تر است از اینکه بگویند: جلوی چشمت را بگیر، وقتی که چشم را آزاد گذاشت در خیابان که راه می رود جوانی است که تازه ازدواج کرده است زنانی می بیند از همسر خودش زیباتر و برازنده ترند، علاقه اش به همسرش کم می شود، می رود خانه احساس می کند که دیگر آن احساس و گرایش و میل و علاقه اول را ندارد، دعوا شروع می شود، شما می دانید چقدر از طلاق ها از این مورد است، از همین آزادی چشم، چرا می گویند: در کشورهای اروپایی از هر دو ازدواج یکی به طلاق می انجامد؟ یکی از علت های آن اصلی همین است، ولی می دانید کشور ما با همه مشکلاتی که دارد سخنگوی قوه قضائیه گفت: ما از هر نه ازدواج یک طلاق داریم، البته این هم زیاد است و نباید باشد ولی در کره جنوبی از هر دو ازدواج یک طلاق است این است که حضرت امیرالمؤمنین می فرمایند: «ان الحق ثقیلٌ مریء^۲» حق سنگین است ولی عاقبت شیرین دارد «وان

نجس نشود مشکل زناشویی پیدا نکند. حالا بفرما برو آنجا. اینجا می فرماید «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» هر کس از شما با اینها دوستی بکند جزو آنهاست. ببینید چقدر بدبختی در عالم اسلام بخاطر ترک همین واجب درست شده است؟ در همین درگیری حزب الله لبنان، همین رؤسای خبیث اعراب که خدا ان شاءالله اگر قابل هدایتند هدایتشان کند پنهانی داشتند کمک اسرائیل می کردند و می گفتند حزب الله را نابود کن. اینها نتیجه زیر پا گذاشتن فرائض اسلامی است. یک انقلاب اسلامی در ایران باعث آبروی اسلام در دنیا شد. هیچ کس بیشتر از اینها به آن ضربه نزدند. همه خندیدند و دوستی کردند و سلاح از آنها گرفتند و علیه مسلمین به کار بردند. یک وقت کسی نیاید و بگوید چرا خداوند زود حکم تکفیر صادر می کند؟ می گوئیم به این دلیل. به خاطر اینکه اگر کسی اجرا نکند در سوره انفال می فرماید: «رَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَتَعَلَّوْا نَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ...»^۱ اگر شما مسئله تولی و تبری را اجرا نکنید «تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر» فتنه در زمین واقع می شود و یک فسادبزرگی می آید. بسم الله این نمونه اش. دیگر فتنه چه طوری است؟ فتنه این است که بیایند منابع سرشار مسلمین را بریزند در حلقوم آمریکا امکانات و سرزمینهای اسلامی هم بدهند دست آمریکا و بیاید حمله بکند به سایر کشورها. این هواپیماهای آمریکا از کجا بلند می شدند و به افغانستان حمله می کردند از پاکستان. از عربستان به عراق حمله می کردند.

«چون نیک نظر کرد خویش در آن دید گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست» خودمان با دست خودمان داریم خودمان را بدبخت می کنیم.

کسانی که یکی از واجبات را عمدا ترک کند ظاهراً قرآن نگفته کافر است ولی فطرتاً کافر است. خدا به منزله کافر تلقی اش می کند. حکم کافر ندارد. اگر یک کسی گفت من اسلام را قبول ندارم به محض اینک گفت این فرد، دیگر همسرش برای وی حرام است نیاز به طلاق هم ندارد. ولی اگر گفت اسلام را قبول دارم اما نماز را حال ندارم بخوانم، این دیگر همسرش برایش حرام نیست و نجس هم نیست

۱- اسراء ۳۳

۲- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۱۰۷

و در قبرستان مسلمین هم دفن می شود اما با دقت در آیات قرآن می شود حکم کفر باطنی آنها را درآورد. روز قیامت هم با باطن مردم کار دارند نه با ظاهر. با ظاهر کار ندارند. در آیات هشتاد و یک تا هشتاد و پنج سوره مبارکه براءت، قرآن کریم از مخلفین، (اسم منافقین نیست) صحبت می کند. مخلفین کسانی هستند که در جنگ تبوک، در خانه هایشان نشستند و به میدان جنگ نرفتند و به جهاد حاضر نشدند خدا آنها را به عنوان مخلف نامید. منافقین هم که نیامدند یک عده از منافقین هم که آمدند به قصد خرابکاری و اذیت و به هم ریختن سپاه مسلمین آمدند. آن سال تابستان بود. بارندگی در زمستان خیلی خوب بود. میوه ها خیلی رسیده. همین که آمدند بگویند برویم میوه ها را بچینیم و بفروشیم یک وقت خبر رسید سپاه روم حمله کرده. مسلمین باید بروند و دفعش کنند. خیلی ناراحت شدند. این چه وقت جهاد بود. یا رسول الله ما تازه آمدیم نفس راحتی بکشیم میوه هایمان را بچینیم و یک پولی در بیاوریم. حالا این باغها را رها کنیم و برویم میوه ها فاسد می شود. گفتند دستور خداست. آنهايي که ایمانشان سست بود اینجا خود را نشان دادند. یک عده ای گفتند ما نمی آئیم. ما قبولت داریم پیغمبر هستی اما این کار را نمی کنیم. چقدر خسارت تحمل کنیم. نشستند در خانه هایشان. این سوره براءت، اکثر آیاتش در آنجا نازل شده است. حداقل این قسمتی که مربوط به جهاد هست و پیغمبر را امر می کند که به اینها توجه نکن. تقریباً تا آخر آیات براءت بصورت قطع و وصل این موضوع را ذکر می کند. بعد «وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» گفتند در گرما به جهاد نروید، مشکل است. در گرما نمی رویم به جهاد. بعد خداوند می فرماید «قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا» «بگو آتش جهنم، سوزان تر است اگر بفهمند پس باید خیلی کم بخندند و بسیار بگیرند بخاطر چیزهایی که به دست آوردند و به خاطر گناهایی که کردند.» بعد خداوند اینها را مذمت می کند تا اینکه می فرماید «وَلَا تُصَلِّ عَلَى

دوم نفع طلبی است، قوانین بشری با توجه به این که قانون گذاران بشری خودشان افراد محتاجند همیشه در قانون گذاردن نفع شخصی خود را ناخودآگاه لحاظ می کنند، فرض کنید آقایی در شورای شهر راه پیدا کرده است طرح می آورند که آقا ما می توانیم مثلاً یک کوچه را یا یک جاده را تعریض کنیم و خیابان کنیم حالا این جا باشد یا آن جا نگاه می کند می بیند زمین خودش کنار آن یکی است اصرار می کند که آن یکی باشد. خدا که این طور نیست.

سومین ویژگی قوانین بشری این است که بشر را تحقیر می کند.

چهارمین ویژگی این است که کمالات بشری را از بین می برد و به انسان سیر قهقرای می دهد.

پنجمین ویژگی این است که مقطعی است یعنی در یک زمان قابل اجرا است و خیلی سر و صدا دارد و خیلی ظاهر و بروز دارد اما در یک مقطعی کم کم کهنه می شود و دیگر قابل اجرا نیست.

ششمین ویژگی این است که قداست ندارد، ببینید قرآن قانون زندگی ماست و جدا از این که قانون زندگی است مردم برای آن قداست قائلند، اگر یک آدم فاسق و فاجر که همه خلافتی می کند در دادگاه به او بگویند: این کار را کرده ای؟ می گوید؟ نه، قرآن می آورند می گویند دست بگذار روی قرآن می گوید: نه من روی قرآن دست نمی گذارم. آیا مثلاً کتاب قانون منتسکیو این طوری است؟ مثلاً اگر در جاده افتاده باشد می گویند: پا روی آن نگذار قداست دارد؟! دست بی وضو به آن زن! این قدسیت کجا در قوانین بشری است؟

هفتمین ویژگی این است که در قوانین بشری یا افراط است و یا تفریط، حد اعتدال به ندرت است، یک قسمتی از قوانین است که خود خدا هم گفته است خودتان وضع کنید و به عقل ما واگذار کرده است، مثلاً این که آدم کشی ممنوع است و جرم است و کسی حق ندارد انسانی را از بین ببرد، این نیاز به تشریح ندارد، حتی فقها می گویند: شریعت مقدس نمی تواند در این جا حکمی صادر کند (لفظ نمی تواند به کار می برند) لذا این آیه که می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا

می فرمایند: «لا دینَ لِمَنْ لَا تَقِيَّهَ اللهُ»^۱ آن کسی که اهل تقیه نباشد دین ندارد. تقیه خوفی را می گوید نه مداراتی. اگر جایی تقیه واجب شد و شما پرهیز نکردید و جان خود و عده ای را به خطر انداختی. امام می فرمایند این دین نیست این خارج از دین است. در نهایت چرا با وجود اسلام ما عقب ماندیم؟ چون عمل نکردیم اگر هم عمل کردیم، تکه ای عمل کردیم.

ساعت دوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما به اینجا رسید که به قوانین ساخته دست بشر یک گذری کنیم، یک سری ضعف‌های کلیدی و حساس در قوانین بشری است چون بحث حاکمیت دین را مطرح کردیم به این ضعف‌ها هم اشاره می‌کنم.

اولین بحث اینکه وقتی قانونی نوشته می‌شود باید ضمانت اجرا هم داشته باشد به این معنا که نمی‌شود در کتابی نوشت که مردم باید رشوه نگیرند، مردم باید سرعت نکنند بعد هم کتاب را بگذاریم در مکانی و به اطلاع عموم برسانیم و بگوییم کار تمام شد، نخیر چون دزد هیچ وقت نمی‌آید خودش را معرفی کند، یک کسانی باید باشند که این قانون را اجرا کنند، به این می‌گویند ضمانت اجرا، ضمانت اجرا حرفش خیلی ساده است اما فوق العاده در عمل مشکل دارد، تمام نظام‌های حقوقی جهان در اجرای قوانین به یک نوعی مشکل دارند، مشکلات حادّ تقریباً لاینحلی که معتقدند راه حلی برای آن وجود ندارد و ما معتقدیم که وجود دارد، ما دو نوع ضمانت اجرا داریم، یکی ضمانت اجرای بیرونی داریم که پلیس است و قوای قضائیه و قوای قهریه و این‌ها که جلوی متخلف را با زور بگیرند و یکی ضمانت اجرای درونی داریم آن جایی که دیگر پلیس دستش نمی‌رسد، در آن جا چه کار باید کرد و چطور باید کنترل کرد؟ این جاست که نظام‌های ساخته دست بشر به شدت ضعیف هستند و به شدت ناتوانند و دین قدرت خودش را در این جا نشان می‌دهد.

أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا»^۲ «ای پیغمبر اگر یکی از این مخلفین مُرد اینها کافر نیستند» دقت کنیم کافر نیستند بلکه اینها مردم مسلمان مدینه اند که حاضر نشدند برای دفاع از حوزه اسلام، لباس رزم بپوشند و از خانه‌شان بیرون بروند. خدا به پیغمبر می‌فرماید «اگر یکی از اینها مُرد هرگز سر قبرش حاضر نشو» چرا؟ «إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۳ ببینید چند تا آیه را فاصله انداخته و بعد گفته کافرند. خیلی صریح نچسبانده کفر را به اسمشان. اینها به خدا و رسول کافر شدند. «وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ»^۴ «مردند در حالیکه نافرمان بودند».

باز در سوره انفال (تنها آیه ای است که حکم خمس را بیان می‌کند) می‌فرماید که «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ»^۴ بدانید هر چه ر غنیمت گرفتید یک پنجمش مال خدا و رسول است «وَلِذِي الْقُرْبَىٰ» برای بستگان پیامبر، «وَالْيَتَامَىٰ» و «وَالْيَتِيمَانِ»^۵ «وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» «مسکین‌ها، در راه مانده‌ها»، «إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ» اگر به خدا ایمان دارید باید زیر بار خمس بروید مفهومش این است که اگر کسی زیر بار خمس نرفت به خدا ایمان ندارد. این را هم می‌بینید خیلی لطیف، خیلی محترمانه گفته اینها کافرند. چطور ممکن است یکی بگوید من اسلام را قبول دارم خدا را قبول دارم پیغمبر را قبول دارم اما حاضر نیستیم به احکام اسلام عمل کنیم این دهان کجی است. از این دست آیات اگر شم در مورد تمام فرائض از نماز شروع کنید تا تولی و تبری (دهمین مورد) می‌توانید در قرآن و روایات صریحا پیدا کنید که خدا اینها را کافر می‌داند. اگرچه صریح نمی‌گوید کافر هستند. فقها هم صریحا نمی‌گویند اینچنین کسی کافر است. اما آن کسی که بگوید من حتی یک آیه قرآن را قبول ندارم به تعبیر قرآن «وَيَقُولُونَ

۱- توبه ۸۴

۲- همان

۳- همان

۴- انفال ۴۱۵

۱- اصول کافی ج ۲ ص ۲۱۷ باب التقیه

نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا^۱» می خواهند بین این اسلام و کفر یک راه دوم، سومی پیدا کنند همان چیزی که حضرت امام (ره) از آن بعنوان اسلام التقاطی یاد کرد قرآن می فرماید «أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا^۲» به حق کافرند. در اسلام شرط پذیرش این است که ما به صورت مجموعی بپذیریم نه به صورت تکی. من این یکی را خوشم می آید و از این یکی بدم می آید. اینکه ما آثار اسلام را کمتر در زندگیمان دیدیم به خاطر این است که بخشی از اسلام را عمل کردیم و بخشی دیگر را عمل نکردیم. یک آیه قرآن دستور حج داده^۳. ما بیست آیه حدودا در مورد حج داریم اما یک آیه دستور حج را صادر کرده است. چقدر تشکیلات درست کردیم برای حج. چقدر هزینه می کنیم. اما صد و سی آیه قرآن امر کرده به دادن زکات. یک دفتر برای گرفتن زکات در همه کشور نداریم. خدا خیری به آقای قرائی دهد هرچه ایشان زحمت کشید. اینکه نشد. این درست مثل این می ماند که بنده بروم پیش پزشک، ایشان هم ده پانزده نوع دارو برایم بنویسد بگوید همه اینها را باید بخوری. بعضی از اینها داروی اصلی است آثار جانبی دارد بعضی هایش هم داروی مکمل است بعضی هایش هم آثار آن داروها را دفع می کند. اگر یکی اش را نخوری کار خراب می شود. بنده بیایم نگاه بکنم ببینم کدامشان خوشمزه است مثلاً قرص جوشان را که داده حتما می خوریم شربت تلخ را داده اصلاً نمی خوریم! خدا حج فرستاده هم سیاحت است و هم زیارت و هم تجارت. حتما می رویم. نهی از منکر ممکن است سیلی بخوری، فحش بشنوی مثل دارو تلخ است. انجام نمی دهیم. گفته نماز مسجدی می رویم و مشکلی نیست می خوانیم. زکات، زکات دیگر چیست؟ ما داریم مالیات می دهیم، خمس می دهیم!

یکی دیگر از دلائلی که ما نتوانستیم آن نورافشانی اصلی اسلام را ببینیم این است که در روایت می گویند که امام زمان (عج) که می آیند درهای تمام علوم باز

۱-نساء ۱۵۰

۲-نساء ۱۵۱

۳- آل عمران ۹۷(فِي آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مَعًاظِمُ إِبْرَاهِيمَ وَمِنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)

می شود، برکات از آسمان بر زمین نازل می شود. مگر امام زمان (عج) چه کار می کند؟ امام همین دین را کامل اجرا می کند. امام می آید همه این رشته اتصالات را وصل می کند و می گوید حالا کلید را بزیند ببینید چه اتفاقی می افتد. همه دنیا روشن می شود. چرا باید مجلس شورای اسلامی، یک حکمی که به نص قرآن خلاف شرع است بعضی ها حالا لایحه ای بدهند (مجالس قبل نه مجلس کنونی) و چندین بار شورای نگهبان بگوید آقا این خلاف نص قرآن است خود آیت الله شاهروری رئیس قوه قضائیه گفتند این خلاف شرع مسلم است خلاف اتفاق فقهاست دوباره همان را تصویب کردند و فرستادند آن وقت ما می خواهیم نورانیت اسلام برایمان روشن شود؟

ما گفتیم علت اینکه مسلمین عقب افتادند این دو تا موضوع هست.

۱- عمل نکردیم. ۲- آنهایی را هم عمل کردیم کامل عمل نکردیم. گزینشی عمل کردیم. طبیعتاً آثار اسلام هم با عمل گزینشی قطعاً عیان نخواهد شد یا اگر هم عیان بشود با یک تندبادی از بین می رود شما یک باغی درست کنید بهترین درختان و با پیشرفته ترین روشهای کشاورزی، بهترین میوه ها را هم در آن به دست بیاید دیوار برایش نگذارید چه اتفاقی می افتد؟ غارت می شود. دیوار بگذارید درب برایش نگذارید. همان اتفاق می افتد. یک کشوری بسازیم بهترین صنعت بالاترین سطح رفاه، مردمش از همه دنیا با فرهنگ تر، باسوادتر تعداد دانشمندانش بیشتر، ولی نیروی نظامی و دفاعی ندارد. یک کشور ضعیف، که با اندک مشکلی همه این صنعت و اقتصاد و همه چیزش از بین خواهد رفت. شما همه چیز را ایجاد کردی یک قسمت را خالی گذاشتی. یک آقایی از رستم زورش بیشتر است. وزنه های خیلی سنگین را بلند می کند اما سیستم دفاعی بدنش ناقص است. یک سرماخوردگی از پا درش می آورد. یک دینی درست کردیم نماز دارد، روزه دارد، زکات دارد، امر به معروف ندارد. این مثل دیوار باغی است که همه میوه دارد، استخر دارد، دیوار ندارد. بخاطر این است که قرآن می گوید آن کسی که بگوید من این را قبول دارم این را قبول ندارم این کافر است. به خاطر همین است که وقتی که یک شخصی بگوید من قبول دارم عمل نمی کنم می گویند دینت بر باد است. تو دینی نداری. حتی بعضی از فروع را. تقیه را ما جزو فروع دین نمی دانیم. ولی امام